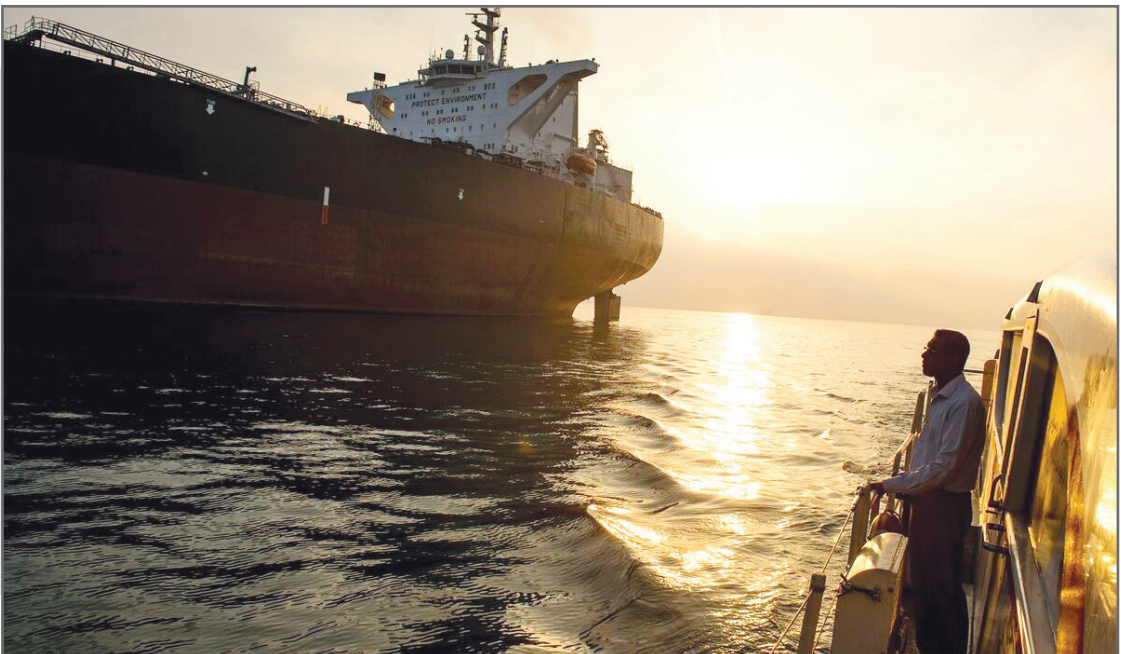


گرهی که ترامپ را به مخمصه انداخته است

سلاحی قدرتمندتر از بمب هسته‌ای



و نیروها را به اهداف آسانی مبدل می‌کند. کارشناسان می‌گویند که حتی اگر نیروهای آمریکا ساحل جنوبی ایران و جزایر را تصرف کنند، باز تهران می‌تواند به آن‌ها حمله کند و با پهپادها و موشک‌هایی که از عمق ایران پرتاب می‌شوند، کنترل مسیر را نگاه دارد. به گفته واعظ: «تمام کاری که لازم است برای مختل کردن ترافیک و بازداشتن کشتی‌ها از عبور انجام شود، یک یا دو پهپاداست.»

برخی کارشناسان گفتند که ایران حتی پس از جنگ هم احتمالاً از توانایی خود برای تنظیم ترافیک مسیر دست نخواهد کشید، زیرا نیاز به بازسازی دارد و دریافت عوارض گذر از کشتی‌های تجاری یکی از راه‌های تأمین منابع بازسازی خواهد بود. بیل برنز، مدیر سابق سازمان اطلاعات مرکزی

آمریکا (سی.آی.اِ.)، روز پنجشنبه در یادکست

مجله فارن افرز گفت: تهران «به‌دنبال حفظ اهرمی است که این را با مختل کردن ترافیک در تنگه دوباره کشف کرده است». او گفت ایران به دنبال استفاده از توانایی خود برای مهار مسیر است تا در هر توافق صلح با آمریکا «بازآرزدگی تضمین‌های امنیتی بلندمدت» به دست آید و «برخی منافع مستقیم مادی» مانند دریافت عوارض گذر برای تأمین مالی بازسازی پس از جنگ را به دست آورد. او افزود: «این وضعیت به‌راستی مذاکره را دشوار می‌سازد.»

وضعیت رفت‌وآمد از زمان آغاز جنگ

در گزارشی دیگر، المانیتور آمارهایی از گذر کشتی‌ها از زمان آغاز جنگ تا امروز به دست داده است. مطابق این گزارش از زمان آغاز جنگ، عبور کشتی‌ها به‌شدت کاهش یافته، زیرا ایران به‌طور انتخابی به کشتی‌ها و تأسیسات انرژی در سراسر خلیج فارس حمله می‌کند تا در واکنش به حملات آمریکا و اسرائیل تلافی کند. چند کشتی تجاری که اخیراً از تنگه هرمز عبور کرده‌اند، از مسیر مورد تأیید ایران در شمال ابراه عبور کرده‌اند.

مطابق داده‌های کپلر تا صبح جمعه، از تاریخ ۱ مارس تاکنون تنها ۲۲۱ کشتی کالا از تنگه هرمز گذر کرده‌اند- برخی از آنها بیش از یک بار. مطابق آمار لویدز لیست در زمان صلح، همین مسیر روزانه حدود ۱۲۰ گذر را مدیریت می‌کند. از میان کشتی‌هایی که عبور کرده‌اند، ۶۰ درصد یا از ایران آمده‌اند یا به ایران می‌رفته‌اند. سایر کشورهایی که کشتی‌هایشان، چه مبدأ و چه مقصد، از تنگه گذر کرده‌اند، به ترتیب نزولی عبارتند از: امارات متحد عربی، چین، هند، عربستان سعودی، عمان، برزیل و عراق. از داده‌ها مشخص نبود که چه تعداد اجازه گذر از سوی تهران را داشته‌اند، اما نشان می‌دهند که از ۱۱۸ عبوری که شامل

اوضاع تنگه هرمز و سرنوشت آن از زمان آغاز حمله ایالات متحد و اسرائیل به ایران به یکی از مسائل مورد بحث در رسانه‌های بین‌المللی و چه‌سا به یکی از نقاط تعیین‌کننده جنگ بدل گشته است. یادداشت حاضر گزارش‌های تحلیلی از رسانه‌های رویترز، المانیتور و وال استریت ژورنال را در رابطه با این موضوع ارائه می‌دهد. به گزارش اکوایران، گزارش‌های اخیر اطلاعاتی ایالات متحد هشدار می‌دهند که ایران به‌زودی تنگه هرمز را باز نخواهد کرد، زیرا تسلط بر حیاتی‌ترین مسیر نفتی جهان اهرم واقعی بزرگی است که در برابر ایالات متحد در اختیار دارد. این یافته نشان می‌دهد که تهران ممکن است به فشار بر تنگه ادامه دهد تا قیمت انرژی را بالا نگاه داشته و از این طریق رئیس‌جمهور آمریکا را تحت فشار قرار دهد و از این طریق راه‌حلی سریع برای جنگ تقریباً پنج‌هفته‌ای پیدا کند که در میان رأی‌دهندگان آمریکایی از محبوبیتی برخوردار نیست.

به نوشته خبرگزاری رویترز، افزایش هزینه انرژی خطر افزایش تورم در آمریکا را به همراه دارد و این موضوع به یک مسئولیت سیاسی برای ترامپ تبدیل می‌شود، زیرا او با نظرسنجی‌های نامیدکننده رویه‌ریوست و حزب جمهوری‌خواه خود را برای انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر آماده می‌کند. به گفته یک منبع آگاه: «قطعاً واقعیت این است که حالا که ایران قدرت و اهرم خود بر تنگه را چشمیده است، به‌زودی آن را رها نخواهد کرد.»

ترامپ تلاش کرده تا دشواری بازگشایی تنگه هرمز را که یک پنجم تجارت نفت جهان از آن گذر می‌کند، کم‌اهمیت جلوه دهد. او روز جمعه به نحوی اشاره کرد که می‌تواند دستور دهد نیروهای آمریکا گذرگاه را باز کنند. او در شبکه اجتماعی تروث خود نوشت: «با کمی زمان بیشتر می‌توانیم به‌راحتی تنگه هرمز را باز کنیم، نفت را برداریم و ثروت عظیمی بسازیم.»

بالی‌حال، تحلیلگران مدت‌هاست که هشدار داده‌اند تلاش برای استفاده از زور علیه ایران که یک سوی تنگه را کنترل می‌کند، می‌تواند پرهزینه باشد و آمریکا را به یک جنگ زمینی طولانی وارد کند. به گفته علی واعظ، مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران: «در واقع با آغاز جلوگیری از توسعه سلاح کشتار جمعی، آمریکا به ایران یک سلاح اختلال جمعی داد.» واعظ متذکر شد که تهران درک می‌کند که توانایی برای هدایت بازراه‌های جهانی انرژی از طریق تسلط بر تنگه «حتی بسیار قدرتمندتر از یک سلاح هسته‌ای است.»

موضع ترامپ در مورد مشارکت احتمالی آمریکا در بازگشایی تنگه تغییر کرده است. از یک سو، او پایان تسلط ایران بر تنگه را به‌عنوان پیش‌شرط آتش‌بس مطرح کرده، اما از سوی دیگر از کشورهای خلیج فارس و متحدان ناتو خواسته است که رهبری بازگشایی آن را بعهده بگیرند. یک مقام کخ سفید که خواست نامش فاش نشود، ادعا کرد ترامپ «اطمینان دارد که تنگه به‌زودی باز خواهد شد» و روشن کرده است که پس از جنگ به ایران اجازه داده نخواهد شد که ترافیک مسیر آبی را تنظیم کند. بااین‌حال، این مقام همچنین اشاره کرد که ترامپ گفته است دیگر کشورها «خیلی بیشتر از آمریکا در پیشگیری از این نتیجه منافع دارند.»

تنها با یک یا دو پهپاد: وقتی مذاکره دشوار

می‌شود

بسیاری از کارشناسان می‌گویند یک عملیات نظامی برای بازگشایی مسیر آبی، خطرات قابل‌توجهی دارد. این مسیر ایران و عمان را از هم جدا می‌کند. عرض آن در باریک‌ترین نقطه ۳۳ کیلومتر است، اما خطوط کشتیرانی تنها ۳ کیلومتر در هر دو جهت فضا دارند که کشتی‌ها

تخم‌سازان

سخن نخست

ترامپ نقشه را ندید و فروپاشی ستون فقرات پترودلار رقم خورد!

ادامه از صفحه یک

بر اساس این توافق، عربستان و سایر تولیدکنندگان خلیج فارس متعهد شدند که نفتی خود را فقط به دلار بفروشند. در مقابل، آمریکا امنیت نظامی این کشورها را تضمین کرد.

اما معامله به همین جا ختم نمی‌شد و دلارهای نفتی که از فروش نفت به کشورهای آسیایی و اروپایی به دست می‌آمد، مستقیماً به بازارهای مالی آمریکا بازمی‌گشت. این سرمایه‌ها صرف خرید اوراق خزانه‌داری، املاک و سهام آمریکایی می‌شد. به این ترتیب، دلارهایی که از یک طرف خارج می‌شد، از طرف دیگر به اقتصاد آمریکا تزریق می‌گردید. پیامد این چرخه برای آمریکا چه بود؟ این کشور می‌توانست بدون نگرانی از کسری بودجه و بدون نیاز به پس‌انداز داخلی، کالا وارد کند و کسری تجاری خود را با دلارهایی که خودش چاپ می‌کند، تأمین نماید. به عبارت ساده‌تر، پترودلار به آمریکا اجازه داد بدون هزینه، از منابع واقعی جهان استفاده کند.*

این روزها، تنگه هرمز عملاً بر روی کشتی‌های غربی بسته شده است. پیش از جنگ روزانه حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت از این تنگه عبور می‌کرد. امروز، این رقم به کمتر از ۲ میلیون بشکه کاهش یافته است. اما تأثیر این کاهش بر چرخه پترودلار چیست؟

حتی اگر آمریکا خودش نفت خلیج فارس را مصرف نکند، کشورهای واردکنندهٔ نفت (چین، هند، ژاپن، کره جنوبی) برای خرید نفت مجبور به تأمین دلار هستند. این تقاضای مستمر برای دلار، ارزش پول آمریکا را بالا نگه می‌دارد. وقتی تنگه هرمز بسته می‌شود و نفت خلیج فارس به دست مشتربین نمی‌رسد، این چرخه متوقف می‌گردد. کاهش جریان نفت به معنای کاهش تقاضا برای دلار است و کاهش تقاضا برای دلار به معنای تضعیف ارزش پول آمریکا می‌باشد و این بدان علت است که *ترامپ نقشه خوانی جغرافیا بلد نیست!!*

آمارها به وضوح این زنگ خطر را تأیید می‌کنند. سهم دلار از ذخایر ارزی جهان به پایین‌ترین سطح خود در این قرن رسیده است. و جالب‌تر اینکه، بر اساس گزارش مؤسسه آتلانتیک، حجم تراکنش‌های یوان در شبکهٔ پرداخت چین (CIPS) در اواخر مارس ۲۰۲۶ به بیش از ۹۴۰ میلیارد یوان رسیده است. ایران نیز اخیراً اعلام کرده عوارض عبور از تنگه هرمز را به جای دلار به یوان دریافت می‌کند. اینها نشانه‌های فروپاشی تدریجی نظام پترودلار است و ما باید این نشانه ها را به نظم دائم تبدیل کنیم.

اما معادله‌ی سه‌ضلعی که اکنون در حال شکستن است و نباید با آتش بس زود هنگام مانع آن بشویم چیست؟

نظام پترودلار بر سه پایه استوار است: نیاز آمریکا به نفت، قیمت‌گذاری نفت به دلار، و رابطه امنیتی واشنگتن با کشورهای خلیج فارس. وال‌استریت ژورنال و گلوب اند میل هر دو تأیید کرده‌اند که هر سه این پایه‌ها امروز تحت فشار شدید قرار دارند.

پایه اول: نیاز آمریکا به نفت خلیج فارس، ترامپ می‌گوید این نیاز از بین رفته است. اما حتی اگر آمریکا نفت خلیج فارس را مصرف نکند، بقیه جهان مصرف می‌کنند و تا زمانی که جهان نفت را با دلار می‌خرد، آمریکا به پایداری جریان نفت از خلیج فارس وابسته است.

پایه دوم: قیمت‌گذاری نفت به دلار، این پایه در حال ترک خوردن است. چین، روسیه، ایران و حتی برخی از کشورهای خلیج فارس، معاملات نفتی به یوان را آغاز کرده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن است که سهم معاملات نفتی چین با خاورمیانه به یوان تسویه می‌شود، در سه ماهه اول ۲۰۲۶ به بیش از ۹۰ درصد رسیده است.

پایه سوم: رابطه امنیتی با کشورهای خلیج فارس، این پایه نیز در حال فروپاشی است. کشورهای عربی منطقه به تدریج دریافته‌اند که ناوگان پنجم آمریکا قادر به تأمین امنیت آنها نیست. پهپادها و موشک‌های ارزان‌قیمت ایران، پایگاه‌های هوایی، بنادر و تأسیسات نفتی متحدان آمریکا را تهدید می‌کند. همان طور که تحلیلگران اشاره کرده‌اند، جنگ ۲۰۲۶ ایران ممکن است به نقطه عطفی تبدیل شود که محدودیت‌های سیستم «امنیت در برابر نفت» را برای همیشه آشکار کرده است. *می‌خواهم ادعای بسیار مهمی کنم کنم امنیت تنگه، امنیت دلار است* در این میان، شاید مهم‌ترین نقطه‌ای که ترامپ از آن غافل مانده، سرمایه‌گذاری‌های عظیم کشورهای خلیج فارس در اقتصاد آمریکا است. صندوق‌های ثروت ملی عربستان، امارات و قطر، صدها میلیارد دلار در اوراق قرضه، املاک و پروژه‌های زیرساختی آمریکا سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این سرمایه‌ها نه از روی محبت، که در چارچوب همان معامله‌ی «نفت در برابر امنیت» به آمریکا سرازیر شده‌اند.

این سرمایه‌گذاری‌ها برای اقتصاد آمریکا حیاتی هستند. آنها نرخ بهره اوراق قرضه را پایین نگه می‌دارند، بازار املاک را گرم نگه می‌دارند و به تأمین مالی کسری بودجه کمک می‌کنند. اگر این سرمایه‌ها به دلیل نامنمی در خلیج فارس از آمریکا خارج شوند، پیامدهای آن برای اقتصاد ایالات متحده فاجعه‌بار خواهد بود و *منجر به فروپاشی هژمونی پترودلار و اقتصاد آمریکا می‌شود*

جنگ در خلیج فارس، بیش از آن که یک درگیری نظامی باشد، یک زلزله اقتصادی است و ناوون این زلزله، نظام پترودلار است. ترامپ می‌گوید ما به تنگه هرمز نیاز نداریم، اما واقعیت این است که امنیت تنگه هرمز، با بقای نظام پترودلار و ثبات مالی ایالات متحده عجین شده است.

حالا دیگر کشتی‌ها برای عبور از تنگه هرمز باید با یوان یا رمازارز عوارض بپردازند و کد عبور را از تهران دریافت کنند. چین معاملات نفتی خود را با خاورمیانه به یوان تسویه می‌کند و کشورهای خلیج فارس به تدریج رابطه امنیتی خود با آمریکا را بازتعریف می‌کنند. هر روز که تنگه هرمز بسته می‌ماند، یکی از پایه‌های نظام پترودلار فرو می‌ریزد.

سوال اصلی این است: آیا آمریکا می‌تواند بدون نظام پترودلار، هژمونی اقتصادی خود را حفظ کند؟ شواهد نشان می‌دهد که پاسخ «خیر» است. و ترامپ، با انکار وابستگی آمریکا به تنگه هرمز، دارد این واقعیت را نادیده می‌گیرد.

اخبار

جزئیاتی از شکست تلاش دشمن برای نجات خلبان جنگنده ساقط شده

سخنگوی قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء(ص)، گفت: پرنده‌های متجاوز دشمن در جنوب اصفهان شامل دو فروند بالگرد بلک هاوک و یک فروند هواپیمای ترابری نظامی C۱۳۰ مورد اصابت قرار گرفتند، که در آتش خشم رزمندگان قهرمان اسلام در حال سوختن می‌باشند.

به گزارش ایسا، سرهنگ دوم پاسدار ابراهیم ذوالفقاری سخنگوی قرارگاه مرکزی خاتم الانبیا (ص) عنوان کرد: تلاش‌های مذبح‌خانه دشمن با عنایات خداوند متعال و امدادهای الهی و با اقدامات به موقع و عملیات مشترک رزمندگان اسلام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران، بسیج قهرمان و نیروهای انتظامی، برای نجات خلبان جنگنده ساقط شده خود شکست خورد.

وی افزود: پرنده‌های متجاوز دشمن در جنوب اصفهان شامل دو فروند بالگرد بلک هاوک و یک فروند هواپیمای ترابری نظامی C۱۳۰ مورد اصابت قرار گرفتند که در آتش خشم رزمندگان قهرمان اسلام در حال سوختن می‌باشند.

موضع ترامپ در مورد

مشارکت احتمالی آمریکا

در بازگشایی تنگه تغییر

کرده است. از یک سو، او

بایان تسلط ایران بر تنگه

را به‌عنوان پیش‌شرط

آتش‌بس مطرح کرده، اما

از سوی دیگر از کشورهای

خلیج فارس و متحدان ناتو

خواسته‌است که رهبری

بازگشایی آن را برعهده

بگیرند

ایران نیست، بلکه از زرادخانه موشک‌های ضدکشتی زمینی، پهپادها، گروه‌های کوچک قایق‌های هجومی، زیردریایی‌های کوچک و انواع مین‌های آن ناشی می‌شود.

موقعیت جغرافیایی تنگه هرمز

درواقع، جغرافیا دفاع از کشتی‌ها را پیچیده می‌کند. عرض تنگه در باریک‌ترین نقطه حدود ۲۰ مایل است و به خطوطی برای جداسازی ترافیک دریایی تقسیم شده که کشتی‌های تجاری را ناچار می‌کند در مسیرهایی قابل‌پیش‌بینی حرکت کنند. زمان هشدار برای حمله احتمالی و فرصت پاسخ کوتاه خواهد بود.

ایران نزدیک به ۱،۰۰۰ مایل ساحل در خلیج فارس دارد که می‌تواند برای حمله به کشتی‌ها استفاده شود؛ مانند حمله پهپادی که اوایل این هفته یک

نفتکش کاملاً پُر کویتی را در نزدیکی سواحل دریی هدف قرار داد. سواحل با کوه‌ها و خلیج‌ها پوشیده شده‌اند و نیروهای ایرانی می‌توانند با گروه‌های قایق تندرو حملات غافلگیرانه انجام دهند. توله‌های زیر صخره یا مخفی در مانگرو و غارهای نمکی، قایق‌ها را پناه می‌دهد تا یا مستقیم به آب پرتاب شوند یا از روی تریلرها، جزیره قشم به‌ویژه مشکل‌ساز است. بزرگ‌ترین جزیره در خلیج فارس، محل استقرار قایق‌های تندرو، قایق‌های پر از مواد منفجره، پهپادها و موشک‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

گرفتاری‌های احتمالی پس از بازگشایی با زور

یک کارشناس دفاعی و پژوهشگر ارشد موسسه واشنگتن می‌گوید: به دلیل کوتاهی فواصل در تنگه، ایران می‌تواند حتی با سلاح‌های کوتاه‌برد آسیب قابل توجهی وارد کند. قایق‌های تندرو مجهز به نارنجک‌اندازه‌ای موشکی می‌توانند بدنه کشتی را سوراخ کنند یا مسیر تنگه را مین‌گذاری کنند. این شناورها عمدتاً با برتری هوایی آمریکا مهار می‌شوند، اما به گفته این کارشناس: «قدرت‌های اروپایی قادر نخواهند بود و احتمالاً مایل‌هم‌نیستند که این‌قابلیت را جایگزین کنند.»

به گفته لارس اچ. برگ‌کووست، افسر ذخیره

نیروی دریایی سلطنتی سوئد و ناظر نظامی سابق سازمان ملل در خلیج عدن، یک نیروی

چندملیتی حفاظت در برابر دزدی دریایی را با یک کشتی جنگی برای هر دوازده کشتی تجاری ارائه می‌کرد. در این رابطه همچنین دیوید کتлер، دستیار سابق دبیرکل ناتو برای اطلاعات و افسر سابق جنگ سطحی و اطلاعات نیروی دریایی آمریکا، می‌گوید: «چالش فقط این نیست که آیا این کار ممکن است؛ بلکه این نیز هست که آیا می‌توان تنگه را به‌طور مداوم و با سطح حضور لازم برای اطمینان‌بخشی به ترافیک تجاری و بازدیداشتن مداخلات انجام داد یا خیر.»

تحولات اخیر باعث شد دنیا، مردم ایران را بیشتر

بشناسند

بروجردی با بیان اینکه آمریکایی‌ها با سلطه رسانه‌ای، مردم جهان را از واقعیت‌های ایران دور نگه داشته بودند

تصریح کرد: اخیرا صحبت‌های یک خانم آمریکایی را مشاهده کردم که می‌گفت قبل از شهادت ۱۷۰ دانش موز مینایی اصلا تصور نمی‌کردم که خانم‌ها در ایران تحصیل کنند، یا زمانی که یک ورزشگاه را مورد هدف قرار دادند، فکر نمی‌کردم که خانم‌ها در ایران اجازه ورزش کردن داشته باشند!

وی گفت: این تحولات باعث شد که تازه ملت‌ها، به‌خصوص آمریکایی‌ها، عظمت این ملت را بشناسند و به همین دلیل طرفداری گسترده‌ای از ایران ایجاد شده است. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی اظهار کرد: واکنش بیش از صد استاد برجسته دانشگاه‌های آمریکا در محکومیت این حمله و جنایت جنگی و همچنین تجمع‌های متعدد مردمی در اروپا و آمریکا، نشان می‌دهد که آنان ایران را مظلوم می‌شناختند و در عین حال مشاهده کردند که این کشور، کشوری است که آن‌قدر قدرت دارد که پایگاه‌های آمریکا را مورد حمله قرار می‌دهد و آمریکا عملاً علیرغم همه ادعایش در داشتن قوی‌ترین ارتش دنیا، در مقابل ایران احساس شکست می‌کند. بروجردی در مورد نمایش همبستگی ملی در مقابل تهدیدهای آمریکا، گفت: همبستگی ملی و حضور ملت

یافتن خالبان خود- نشان می‌دهد آنها که زمانی با داشتن

تعداد زیادی پایگاه نظامی ده‌ها میلیارد دلاری در منطقه احساس می‌کردند قدرت برتر هستند، پس از نابودی این پایگاه‌ها عملاً قدرت خود را از دست داده و شرایط برای خروج آمریکا از منطقه کاملاً فراهم است.

با نابودی پایگاه‌های آمریکا خروج هر چه سریعتر آنها از منطقه ضرورت دارد

بروجردی تصریح کرد: با توجه به اقدام جمهوری اسلامی ایران در تسلط بر تنگه هرمز و تحقق این امر، عملاً آمریکایی‌ها بازنده این بازی هستند و عناوینی مانند «بازگشت به عصر حجر»، حملات بی‌ارزشی است که برای سروش گذاشتن بر شکست، آن‌ها بیان شد.

وی با تاکید براینکه آن‌ها بعد از تحریم های پی در پی فکر می‌کردند ایران یک کشور ضعیف است که نمی‌تواند در برابر قدرت نظامی بزرگ‌ترین ارتش جهان چند روز بیشتر مقاومت کند،اظهار کرد: اکنون بعد از گذشت این مدت طولانی - که به ۴۰ روز نزدیک می‌شویم، عملاً خود آمریکایی‌ها احساس می‌کنند بازنده این بازی هستند و همه تحلیلگران آمریکا و سناتورها هم از همین تعبیر استفاده می‌کنند.

نماینده مردم لارستان در مجلس خاطر نشان کرد: بنابراین اظهارات ترامپ، توهمی بیش نیست؛ اینکه مثلاً «بازگشت به عصر حجر» و اتمال آن از مطرح می‌کنند عنوان‌هایی است که در دنیا هم به‌سخره گرفته شده است.